

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

<i>Historical</i>	تاریخی
-------------------	--------

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
نیویارک، 24 جون 2009

"خزانه های پنهان موزیم کابل"

در نیویارک

(بخش دوم)



نمای "موزیم متروپولتن آرت" نیویارک، با گوشه ای از پلاکارد
مربوط به آثار موزیم کابل، در جناح راستش

این پلاکارد به شکل و رنگ و تکست ذیل نصب گردیده است :

Afghanistan

Hidden Treasures from the National Museum, Kabul

قسمت اول این مقاله را به تاریخ 17 جون نوشتم، که در صفحه 19 جون 2009 "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر گردید. در آنجا حدیث از عظمت خود موزیم "متروپولتن" و گنجینه آثار مصر قدیم رفت و بخش مابعد مقاله نیز وعده داده شد. دیروز 23 جون 2009 در اولین فرصت صبح رهسپار آن خانه باستان شده و مستقیماً به نمایشگاه آثار مبارک وطنم پرداختم، که ماحصلش درین بخش و بخش آخر این مقاله، از نظر خواننده گرانقدر میگذرد. حدوداً ده سال پیش که در افغانستان طالبان حکم میچلانند، و قوای ائتلاف شمال و شورای "زمردفروشان پنجشیر" را در آخرین پایگاههای شان میخکوب کرده بودند، مقاله ای را از روزنامه "تاگس شپیگل برلین" (1) ترجمه کرده و در جریده "امید" نشر کرده بودم. در آن زمان که "مفقود الاثر گردیدن" آثار "طلا تپه" سخت سر زبانها افتاده بود، افواه و آوازه های فراوان و ضد و نقیض، دهان به دهان میگشت :

- یکی میگفت، که آثار "طلا تپه" در اواخر دوره منفور "خلق - پرچم" حیف و میل گردیدند.

- دیگری میگفت که این آثار در هنگام تسلط ننگین تنظیم های جهادی، نیست و نابود گردیده و پارچه های آن در بازار های پاکستان به نرخ کاه ماش، سودا گردیدند.

- دیگران میگفتند، که طالبان نادان که قیمت قند و قروت را از هم فرق کرده نمیتوانند، آثار زر ناب "طلا تپه" را ، ذوب کرده و به قیمت "طلای خام" فروختند، تا ادوات جنگی خود را تمویل کنند.

- افواهی هم موجود بود، که نظر به آن، این آثار گویا در گاو صندوقهای مستحکم در تحویلخانه های "ارگ شاهی ثم جمهوری"، نگهداری میشوند.

خلص کلام که از هر دهان کلامی شنیده میشد و حدیث حافظ شیرازی را به یا می آورد که :

معشوق چون حجاب ز رخ بر نمی کشد هر کس حکایتی به تصور چرا کند؟؟؟

در آن مقاله از کشف آثار "طلا تپه" در سال 1978 بدست پروفیسر روسی بنام "ویکتور سری یانیدی" وهممه ای که در جهان باستان شناسی و موزیم ها برپا کرد و بعد از سر نوشت نامعلوم و ناپدید گشتنش، بس حکایتها رفته بود. ولی در هر صورت، تا جایی که حافظه ام یاری میدهد، آورده بودند، که:

همان قسمی که این آثار دو هزار سال در "پنهانخانه تاریخ" از نظرها مکتوم مانده بودند، اینک دوباره به همانجا رفته اند؛ یعنی از جایی که آمده بودند، به همانجا برگشتند.

در آن مقاله این نکته را نیز آورده بودند، که مقامات روسی به حکومت دست نشانده خود در کابل پیشنهاد کرده بودند، که بهتر است این آثار در یکی از موزیم های اتحاد شوروی نگهداری شوند، تا از گزند شر و شوری که در افغانستان برپا گردیده، مصون بمانند. و گفته بودند، که گویا "شاه شجاع روسی" - ببرک کارمل - از امر باداران خود سر پیچی کرده و بر نگهداشت آنها در خود کابل پای فشرده.

نیز آورده بودند، که پسانها و در دوره زمامداری داکتر نجیب، مقامات روسی خواهش کرده بودند، تا این آثار جهت نمایش، مهمان موزیم های مشهور روسیه از قبیل موزیم "ارماتژ" مسکو و موزیم لنینگراد، گردند. و نویسنده مقاله تذکر داده بود، که داکتر نجیب با این امر جداً مخالفت نموده و به یاران نزدیک خود گفته بود، که :

« روسها این آثار را به همین بهانه نزد خود می طلبند، تا از آنها کاپی بگیرند و بعد "اصل" را پیش خود نگهدارند و "بدل" و "کاپی" آنها را به ما مسترد نمایند.»

در آن مقاله نکات ذیل نیز تذکر رفته بود که :

- این آثار مربوط به اعضای خاندان شاهان کوشانی بوده و از شش مقبره بدست آمده اند.

- اعضای خاندان شاهی کوشانی، به مجرد مردن، شبانگاه، آرام آرام و دور از چشم خلائق، با تمام زیورات شاهی در جایی مکتوم دفن میگردیدند و "گورکن ها" را شبشب می کشتند، تا اسرار آرامگاه شاهان را فاش نسازند.

- این آثار که متشکل از 26000 (بیست و شش هزار) قطعه خرد و بزرگ بودند، از زر خالص ساخته شده و شامل زیورات و مجسمه ها و ظروف و اشیائی از قبیل کمر بند و غیره بوده اند.

- از قول داکتر "سری یانیدی" نیز گفته بودند، که این آثار در سطح کشف آثار "توت ان خامون" فراغه مصر بودند و اگر همین آثار را باستانشناسان غربی از زیر خاک میکشیدند، شهرت آنها به اندازه "توت ان خامون" مصر و شاید بالا تر از آن، بالا میگرفت.

– نیز آورده بودند و چنانکه در فلمهای گوناگون تلویزیون المان نشان هم دادند، تیم باستانشناس روسی ازین آثار قالب گرفته بودند. و نیز گفت شده بود، که اکنون که این آثار ناپدید و معدوم گردیده اند، تنها میشود به کمک همان قالبها آثار جدیدی را ایجاد کرد، تا لافل روح و یاد و خاطره "آثار طلا تپه" زنده بماند. در فلمی که شبکه دوم تلویزیون دولتی المان، موسوم به ZDF، سالها پیش نشان داد، خانه پروفیسر سری یانیدی را و همان قالبها را نیز یکایک نشان دادند؛ قالبهایی که از رابر نرم ساخته شده بودند.

– گفته بودند، که پروفیسر "سری یانیدی" از همه بیشتر به مجسمه طلائی "افرویدیت" (الهه عشق)(2)، عشق میورزید و وقتی فقدان آن را به یاد می آورد، زار زار و به مانند ابر نوبهار، اشک میریخت. این بود نکاتی که از آن مقاله به خاطرمانده بود و امیدوارم که حافظه ام درست قد داده باشد!!!

از مدتهاست که آثار "طلا تپه" سر زبانها افتاده است و هر کس بقدر وسع و معلومات خود، از عظمتش سخن میگوید. جرائد باخترزمین نیز از آن بس سخن گفته اند. این آثار در زمانی که دولت بدست باندهای وطنفروش و خائن "خلق – پرچم" افتاده بود، بدست و تحت رهنمائی پروفیسر باستان شناسی روسی موسوم به "ویکتور ایوانویچ سری یانیدی" Viktor Ivanovich Sarianidi حفر گردیدند. کمی بعد از آن قوای اشغالگر شوروی به وطن ما ریختند و خلق جهان از سرنوشت آثار "طلا تپه"، بیخبر ماندند.

در مورد آثار "طلا تپه" کتب متعدد در ملک های فرنگ و بزبانهای فرنگی نشر گردیده است. به همین مناسبت مؤسسه مشهور National Geographic نیز کتابی نسبتاً قطوری را با مشخصات ذیل نشر کرده است:

Afghanistan

Hidden Treasures from the National Museum, Kabul

Edited by Fredrik Hiebert and Pierre Cambon

National Geographic

Washington, D. C

در صفحه عقبی پشتی کتاب چنین آمده است :

« در سال 1978 باستان شناسان آثاری را در تپه زارهای شمال افغانستان از زیر خاک کشیدند، که مربوط به قبور بادیه نشینان قدیم بوده و در مدت 2000 سال محفوظ مانده بودند. این کشف خارق العاده پرده از روی حدوداً 22000 (بیست و دو هزار) قطعه، آثار منفرد طلائی، برداشت که یکجا با بقایای اجساد شش بادیه نشین باختری در زیر خاک مانده بودند. چند ماه بعد از کشف طلا تپه، افغانستان در اشغال قوای شوروی درآمد و به انزوا کشانیده شد. بدین ترتیب آثار باختر از صحنه خارج گردیده و همان طوری که از افسانه سر بدر آورده بود، دوباره به افسانه سپرده شد. بیست و پنج سال بعد از آن در سال 2003، رئیس جمهور افغانستان حامد کرزی، با اعلان کشف دوباره و صحیح و سالم آثار طلا تپه، جهان را به شگفت اندر کرده، گفت که: « این آثار، یکجا با آثار برجسته دیگر موزیم ملی کابل، بدست یک تعداد افغانان جان نثار و قهرمان، در سالهای اشغال و کشمکش نجات داده شده بودند...»

آثاری که زیر نام "خزانه های پنهان موزیم ملی، کابل" در چندین موزیم مشهور اتازونی به نمایش گذاشته شده بودند، و اینک از دیروز 23 جون، تا 20 سپتمبر 2009، به مدت سه ماه مهمان "موزیم متروپولتن آرت" نیویارک اند، شامل پارچه هائی میباشند که از "آی خانم"، "بگرام"، "طلا تپه" و "تپه فلول" (نزدیک بگرام) بدست آمده اند.

در ذیل بر حسب نمونه، سه قطعه از مجموعه آثار "طلا تپه" را از صفحه انترنتی "نشنل جیاگرافیک" گرفته و از حضور خواننده گرانقدر پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" میگذرانم:





به حیث حسن ختام این بخش، سه لنک ذیل را تقدیم میدارم که به همت مؤسسه "نشنل جیاگرافیک" در انترنت گذاشته شده است:

1 - "سلاید شو" که تعدادی از "پارچه های مهمان" را نمایش میدهد. لطفاً بعد از باز شدن صفحه، بر "طلا تپه" کلیک نموده و بعد روی "View Slide Show" ، کلیک کنید :

<http://www.nationalgeographic.com/mission/afghanistan-treasures>

2 - فلم ویدیویی، که سرگذشت "طلا تپه" را نمایش میدهد؛ و آن :
از وقتی که بدست داکتر "ویکتور سَری یانیدی" در سال 1978 در شمال افغانستان در نزدیکی شبرغان، از زیر خاک کشیده شد و بعد از مفقود الاثر گشتن آن و افواهاات ناگواری که در زمینه دهان بدهان گذشت و بالآخره از مژده یافت شدن مجددش، که بالوسيله به گفته "فردریک هیبرت" Fredrik Hiebert ، گویا "قلب افغانستان" اعاده گردید. هم در "سلاید شو" و هم در "ویدیو" گوینده همین باستان شناس امریکائیسیت. وی و "ویکتور سَری یانیدی" حین گشودن گاو صندوقها، در سال 2003 حضور داشتند:

<http://video.nationalgeographic.com/video/player/specials/treasure-wars/bactrian-gold-tw.html>

3 - قسمتی از آثار نندارتون موزیم ملی افغانستان، در "موزیم متروپولتن آرت" نیویارک :

<http://www.nga.gov/exhibitions/2008/afghanistan/timeline.shtml>

در بخش سوم و آخر ، مطالب دیگری که توأم با عکسهای بیشتر است، عرضه خواهد گردید.

توضیحات:

1 - روزنامه "تاگس شپیگل برلین" Berliner Tagesspiegel یکی از روزنامه های مشهور برلین و یکی از روزنامه های معتبر المان است.

2 - "افرودیت" یا "افرودایت" Aphrodite که به یونانی به شکل Ἀφροδίτη نوشته میشود، در اسطوره های یونانی مراد از "الهه یا رب النوع عشق و زیبایی" .